



Criticism of the Rewritten Story of Zal and Roodabeh From the Perspective of Text and Image

Sajjad Najafi Behzadi^{1*}

1. Corresponding Author, Assistant Professor of Persian Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord, Iran. Email: najafi@sku.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 18/09/2021

Received in revised form:
22/11/2021

Accepted: 01/12/2021

Keywords:

Image,

Rewriting Text,

Shahnameh,

Child,

Story of Zal and Roodabeh.

ABSTRACT

Shahnameh is considered as one of the noble and valuable works of Persian literature and it is always mentioned as a document of Iran's national and cultural identity. Introducing national and mythological figures in rewriting the stories of the Shahnameh is necessary for the children's age group. It helps the child audience to well identify national and epic heroes. The interesting point in these rewritings is that although Ferdowsi's art of storytelling and illustration is one of the prominent features of Shahnameh; Is it necessary to illustrate Shahnameh stories for children and teenagers with various images and methods? How can the audience find out their true character and identity among the different and diverse images of the heroes? And imitate them? In the rewritten stories of the Shahnameh, various depictions of national and mythological heroes have been presented; but they have not been able to introduce them to the audience as befits the Shahnameh and the mythological characters. Presenting the faces and physical and internal characteristics appropriate to the mythical characters is an important issue that should be more addressed in the rewritings. The purpose of this research is to review the rewritten story of Zal and Roodabeh from the perspective of text and image by analyzing the content of the text and examining library documents. The results of the research showed that the type of clothing, the color of the clothes and the design of the appearance of the characters do not match the original text and illustrations of the Shahnameh, and the children's audience is faced with different images of Zal's character in the stories.

Cite this article: Najafi Behzadi, S. (2022). Criticism of the Rewritten Story of Zal and Roodabeh From the Perspective of Text and Image. *Journal of Research in Narrative Literature*, 11(4), 163-182.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: 10.22126/rp.2021.6943.1426



نقد داستان بازنویسی شده زال و رودابه از منظر متن و تصویر

سجاد نجفی بهزادی^{*۱}

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهر کرد، شهر کرد، ایران.
رایانامه: najafi@sku.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۰

واژه‌های کلیدی: تصویر، متن بازنویسی، شاهنامه، کودک، داستان زال و رودابه.

شاهنامه از آثار فاخر و ارزشمند ادبیات فارسی به شمار می‌رود و همواره از آن به‌عنوان سند هویت ملی و فرهنگی ایران یاد می‌شود. معرفی شخصیت‌های ملی و اسطوره‌ای در بازنویسی داستان‌های شاهنامه، برای گروه سنی کودک امری ضروری است و مخاطب کودک را در شناسایی بهتر قهرمانان ملی و حماسی یاری می‌دهد. نکته قابل تأمل در این بازنویسی‌ها این است که با وجود اینکه هنر داستان‌پردازی و تصویرسازی فردوسی یکی از ویژگی‌های برجسته شاهنامه است؛ آیا نیاز به تصویرسازی داستان‌های شاهنامه برای گروه سنی کودک و نوجوان با تصاویر و شیوه‌های متنوع ضروری است؟ مخاطب چگونه در میان تصاویر متفاوت و متنوع قهرمانان، به شخصیت و هویت واقعی‌شان پی ببرد؟ و از آن‌ها الگوبرداری کند؟ در داستان‌های بازنویسی شده شاهنامه، تصویرسازی‌های متنوع و گوناگونی از قهرمانان ملی و اسطوره‌ای ارائه شده است؛ ولی نتوانسته‌اند آن‌گونه که در خور شاهنامه و شخصیت‌های اسطوره‌ای است، آن‌ها را به مخاطب معرفی کنند. ارائه چهره و ویژگی‌های فیزیکی و درونی متناسب با شخصیت‌های اسطوره‌ای مسأله مهمی است که در بازنویسی‌ها باید بیشتر به آن توجه شود. هدف این پژوهش نقد و بررسی داستان بازنویسی شده زال و رودابه از منظر متن و تصویر به شیوه تحلیل محتوای متن و بررسی اسناد کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش نشان داد که نوع پوشش، رنگ لباس و طراحی شکل ظاهری شخصیت‌ها با متن اصلی و نگاره‌های شاهنامه چندان مطابقت ندارد و مخاطب کودک با تصاویر متفاوتی از شخصیت زال در داستان‌ها مواجه می‌شود.

استناد: نجفی بهزادی، سجاد. (۱۴۰۱). نقد داستان بازنویسی شده زال و رودابه از منظر متن و تصویر. پژوهشنامه ادبیات داستانی،

(۴)۱۱، ۱۶۳-۱۸۲.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/rp.2021.6943.1426

۱. پیشگفتار

شاهنامه یکی از متون فاخر و ارزشمند ادبی است که نقش مهمی در تبیین فرهنگ و هویت ملی ما دارد. «شاهنامه جلوه گاه حیات قومی ملتی است که سالیان دراز در اوج و فرود زندگی خویش تجربه‌ها اندوخته و سرمایه ذوقی و فکری و معنوی فراوان را در خلال تاریخ ممتد و پرشکوه خود جذب کرده است» (یاحقی، ۱۳۸۸: ۷۵). آشنایی با شاهنامه به منزله شناخت تمدن، فرهنگ و آداب و رسوم غنی گذشته است.

«آگاهی فردوسی از فرهنگ و تاریخ و تمدن گذشته ایران و دل‌بستگی خردمندان و شگرف وی به ایران و سرنوشت مردم آن، این معلم فرهنگ و حافظه زنده قوم ایرانی را در موقعیتی قرار می‌دهد که با آزادی و جوانمردی تمام، داستان‌هایی را که از گذشتگان به وی رسیده است، روایت کند و با رعایت امانت و حفظ استخوان‌بندی‌های اساسی داستان‌ها به طرح مستقیم یا غیرمستقیم منش‌ها و اخلاقی و رفتار عنصر ایرانی بپردازد» (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۱۶).

مخاطب شاهنامه در دوره‌های گذشته فرهیختگان علمی، بزرگان نظامی و در درجه دوم عموم مردم بودند؛ اما امروز شاهنامه تنها مختص گروه خاصی از جامعه (بزرگسالان) نیست؛ بلکه کودکان و نوجوانان نیز برای آشنایی با فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم گذشتگان خویش نیاز به برقراری ارتباطی صمیمی و آسان با این اثر گرانسنگ دارند. یکی از راه‌های آشنایی کودکان و نوجوانان با شاهنامه، بازنویسی خلاق از این اثر است. بازنویسی‌هایی که بتوانند روح، زبان و اندیشه‌های ناب آن را به مخاطب ارائه دهد.

«بازنویسی، بازگویی و بازنوشتن، شیوه‌ای از نگارش است که با حفظ ویژگی‌های اثر نخست، بدون اندک دخل و تصرف در آن، با ساده‌ترکردن زبان، آن را با توان خواننده متناسب می‌کند» (هاشمی‌نسب، ۱۳۷۱: ۴۳).

بازنویسی مقوله‌ای مهم و دشوار به نظر می‌رسد؛ چرا که «در بازنویسی احساس و عقیده جدید تولید نمی‌شود؛ بلکه کنش بازنویسی بیشتر در خلق عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در متن بازنوشته است» (Hariss, 2006: 2) بازنویسی به دو دسته ساده و خلاق تقسیم می‌شود.

«در بازنویسی خلاق، بازنویس بدون تغییر در محتوا و درون‌مایه اثر، ساختار و شکل داستانی جدید به متن کهن می‌دهد» (پاپور، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

بازنویسی متونی چون شاهنامه به دلیل ماهیت تاریخی - اسطوره‌ای با دیگر متون متفاوت است و نیاز

به شناخت و دقت بیشتری دارد. انتقال فضا و لحن حماسی شاهنامه در متون بازنویسی شده امری مهم و ضروری است؛ چرا که یکی از اهداف بازنویسی، آشنایی کودک و نوجوان با فضا، زبان و لحن متن اصلی است. داستان زال و رودابه برای گروه سنی «ج» بازنویسی شده است. گروه سنی «ج» شامل کودکان سال‌های آخر دبستان است. این دوره، سن گرایش به گروه است. سن همانندسازی و خلاقیت است. کودکان این سنین، تفکر عینی‌گرا و قیاسی دارند. ظرفیت حافظه کودک به تدریج افزایش قابل توجهی پیدا می‌کند. با بزرگتر شدن تفکر کودک هم انتزاعی‌تر می‌شود (سیف، ۱۳۸۶: ۴۵). کودکان توانایی تصویرپردازی ذهنی را دارند و مسائل را به‌خوبی تحلیل می‌کنند.

هدف این پژوهش بررسی شخصیت‌پردازی تصویری در داستان بازنویسی شده زال و رودابه به روایت محمود مشرف تهرانی (م. آزاد) است. مهم‌ترین مؤلفه‌های بررسی شده در این مقاله، بازنمایی هویت شخصیت‌های اسطوره‌ای و ملی در تصویرپردازی و متن بازنویسی شده و انطباق آن با متن اصلی، رابطه متن و تصویر، انتقال فضا، لحن و زبان حماسی شاهنامه و پاسخ به این پرسش‌هاست که متن بازنویسی شده تا چه اندازه توانسته هویت شخصیت‌ها، فضا و زبان حماسی شاهنامه را به کودکان و نوجوانان انتقال دهد؟ و اینکه با وجود تصویرپردازی و توصیفات هنرمندانه فردوسی در شاهنامه و ساده‌نویسی این تصویرپردازی‌ها، نیاز به تصویرسازی داستان‌ها به شکل‌های متنوع احساس می‌شود؟ درباره داستان زال و رودابه پژوهش‌های متفاوتی در زمینه مقایسه اصول و ساختار داستانی صورت گرفته است که به مهم‌ترین‌ها اشاره می‌شود؛ اما درباره نقد و تحلیل داستان بازنویسی زال و رودابه از منظر تصویر و متن، پژوهش مستقلی انجام نشده است.

نجفی بهزادی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تحلیل عناصر داستان در چند داستان بازنویسی شده از شاهنامه برای نوجوانان» به عناصر داستان پرداخته‌اند. هدف این پژوهش بررسی و مقایسه چند متن بازنویسی شده (ساده و خلاق) از شاهنامه فردوسی، از دیدگاه اصول مهم داستانی (طرح، شخصیت‌پردازی، درون‌مایه، زاویه دید، صحنه‌پردازی) برای ارزیابی تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری متن اصلی با متن بازنویسی شده و دست یافتن به اصول و شیوه‌های بازنویسی خلاق و مناسب برای گروه سنی نوجوان است.

فاضلی و نصر اصفهانی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی اصول و معیارهای بازنویسی در ادبیات کودکان و نوجوانان (مطالعه موردی: بازنویسی‌های شاهنامه فردوسی)» به معیارهای بازنویسی شاهنامه پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد بازنویسان در حوزه زبانی بدون در نظر گرفتن ویژگی‌ها و توانایی‌های

زبانی مخاطبان خود در مراحل سنی مختلف، فقط به ساده کردن زبان متن اصلی توجه کرده‌اند. در حوزه محتوایی اغلب بازنویسان به ویژگی‌های ذهنی، عاطفی و اجتماعی مخاطبان خود توجه کرده‌اند.

۱-۱. روش پژوهش

روش تحقیق به صورت تحلیل محتوا و شیوه گردآوری اطلاعات به شکل بررسی اسناد کتابخانه‌ای است. «در بررسی محتوای اثر به تحلیل داده‌ها و آزمون‌ها برای کشف معنا پرداخته می‌شود» (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۲۸۷). مؤلفه‌های مربوط به متن و تصویر از داستان بازنویسی شده زال و رودابه استخراج و ضمن مطابقت با متن اصلی بررسی و تحلیل شده‌اند.

۲. معرفی اثر

داستان بازنویسی شده زال و رودابه به روایت محمود مشرف تهرانی و تصویرگری نورالدین زرین کلک از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این داستان با زبانی ساده و تصاویری رنگی برای گروه سنی «ج» (سال‌های آخر دبستان) نوشته شده است. داستان با لشکرکشی سام نریمان برای جنگ با اهریمنان آغاز می‌شود. زال فرزند سام که سال‌ها از خانه و خانواده دور بوده و حال لطف و محبت پدر شامل وی شده است، سام را تا میانه راه همراهی می‌کند. زال هنگام تولد به دلیل موهای سپیدش از خانواده طرد می‌شود. سام نریمان به دنبال جبران گذشته و دلجویی از زال است. اگرچه در داستان درباره تولد زال و دوریش از خانه سخنی نرفته است؛ اما در میانه داستان، نویسنده به خوبی این مسأله را بازگو می‌کند. بعد از رفتن سام، زال به همراه بزرگان و موبدان عزم سفر می‌کند. در این سفر زال با شنیدن صفات رودابه، دختر مهرباب کابلی به او دل می‌بندد. رودابه نیز با توصیف ویژگی‌های زال، دل‌بسته او می‌شود. داستان بیشتر بر محور عشق زال و رودابه پیش می‌رود. تلاش زال برای رسیدن به عشق و وفای به عهد با رودابه، کشمکش زال و پدر، تلاش زال برای راضی کردن سام و منوچهرشاه مهم‌ترین حوادث داستان را تشکیل می‌دهند. سرانجام بعد از کوشش‌های فراوان، زال به مقصود خود می‌رسد و با رودابه ازدواج می‌کند. داستان با تولد رستم، پهلوان نامدار ایران زمین به پایان می‌رسد.

۳. نقد و بررسی داستان زال و رودابه

داستان زال و رودابه در ۳۵ صفحه با تصاویر رنگی برای گروه سنی «ج» بازنویسی شده است. تصویر روی جلد یکی از صحنه‌های زیبای داستان؛ یعنی ملاقات زال و رودابه است. کتاب در قطع خشتی و

با ترکیبی از رنگ‌های مختلف تدوین و طراحی شده است. نکته قابل توجه از نظر شکل اثر، نامتوازن بودن سطرهاست. در هر صفحه، حجم نوشته‌ها زیاد هستند و جایی برای تنفس چشم مخاطب وجود ندارد. البته در بیشتر صفحات با آمیزه‌ای از تصویر و نوشته مواجه هستیم که خود جای تأمل دارد. اندازه و نوع فونت نوشته‌ها به صورت درشت و خوانا انتخاب شده‌اند به گونه‌ای که کودک برای خوانش متن دچار مشکل نمی‌شود.

۳-۱. بررسی جلد و عنوان داستان

عنوان داستان در قالب نام شخصیت‌ها (*زال و رودابه*) پایین سمت راست جلد اثر قرار دارد. درباره انتخاب عنوان برای داستان‌های بازنویسی شده از متونی چون *شاهنامه*، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح شده است؛ اینکه برای داستان‌های *شاهنامه* صرفاً باید از اسامی شخصیت‌ها استفاده کرد یا می‌توان از عنوان‌های مبهم، پرسشی و مفهومی نیز استفاده کرد. یونسی عقیده دارد:

«عنوان داستان باید کوتاه، ساده و آهنگین باشد. اگر به صورت جمله پرسشی باشد، قدرت

خیال‌انگیزی بیشتری دارد و کنجکاوی مخاطب را برمی‌انگیزد» (یونسی، ۱۳۸۱: ۱۰۸).

منتقدان دیگر عقیده دارند که «عنوان داستان، هویت و کارت شناسایی آن اثر است» (ژوو، ۱۳۹۴: ۶). ژرار ژنت نیز برای عنوان داستان کارکردهای متفاوتی در نظر می‌گیرد. کارکردهای هویتی، کارکرد توصیفی، کارکرد ضمنی و کارکرد جذب‌کنندگی (همان: ۸). طبق نظر ژنت، می‌توان گفت: عنوان داستان *زال و رودابه*، عنوانی هویتی است. عنوانی که هویتش را برای مخاطب آشکار می‌سازد. عده‌ای دیگر عقیده دارند که عنوان داستان نباید محتوا و درون‌مایه را برای مخاطب افشا کند. در عین حال نیز دربردارنده محتوای داستان نیز باشد. کلمات و عباراتی که برای عنوان داستان انتخاب می‌شوند، باید سنجیده باشند. مخصوصاً آثاری که برای گروه سنی کودک و نوجوان نوشته می‌شوند؛ زیرا «علاوه بر طراحی مناسب جلد کتاب به عنوان یک مؤلفه پیرامنی، این عنوان است که مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد و او را به خوانش متن سوق می‌دهد. عنوان به اثر تشخیص می‌بخشد و آن را از دیگر آثار متمایز می‌سازد» (بشیری و آقاجانی، ۱۳۹۵: ۹۶). با توجه به اینکه داستان *زال و رودابه* موضوعی عاشقانه دارد، می‌توان از عنوان‌های احساسی و مربوط با موضوع استفاده کرد؛ اما انتخاب شخصیت‌های اسطوره‌ای و ملی برای عنوان داستان‌های کودکان و نوجوانان باعث می‌شود آن‌ها با این شخصیت‌ها آشنا شوند و اعمال و رفتار پهلوانان آن‌ها را سرمشق زندگی خود قرار دهند. در روزگاری که کودکان و نوجوانان از طریق بازی‌ها، فیلم‌ها و دنیای مجازی، شخصیت‌ها و قهرمانان کشورهای دیگر را به خوبی می‌شناسند

و گاهی آنها را الگو قرار می‌دهند، بازنویسی خلاق و انتخاب عنوان مناسب و جذاب می‌تواند مخاطب کودک را با شخصیت‌های نامی ایران آشنا کند. طراحی جلد داستان نیز می‌توانست با خلاقیت و ظرافت بیشتری صورت گیرد؛ چون یکی از راه‌های جذب مخاطب، جلد و طراحی مناسب آن است. طرح جلد کتاب نقش مهمی در شناسایی متن کتاب دارد و در حقیقت برانگیزاننده مخاطب در گزینش آن است. «جلد کتاب پنجره‌ای است که مخاطب را به اندرونه کتاب راهنمایی می‌کند» (قائینی، ۱۳۹۰: ۳۸۰).

۲-۳. نقد تصاویر کتاب

تصاویر کتاب داستان *زال* و *رودابه* به صورت رنگی و ترکیبی از رنگ‌های سرد و گرم است. آنچه در نقد تصویر مهم به نظر می‌رسد؛ علاوه بر تناسب رنگ با فضا و حال و هوا و نوع ادبی متن، ارتباط تصویر با درون‌مایه و متن داستان است. تصویر می‌تواند مکمل متن باشد یا اطلاعاتی فراتر از متن در اختیار مخاطب قرار دهد و یا فقط جنبه تزئینی داشته باشد. آنچه در تصویرگری کتاب کودکان مهم است، چگونگی ارتباط میان متن و تصویر است. تصاویر می‌توانند تزئین‌گر کتاب باشند یا گسترش‌دهنده متن، این امر به تصویرگر بستگی دارد.

«تصویرگر مقلد نویسنده نیست، شریک اوست که مانند نویسنده حرف مهمی برای گفتن

دارد. گاه نقش تصویرگر مهم‌تر از نویسنده است» (سنداک، ۱۳۷۷: ۱۷).

توزیع مناسب نوشته و تصویر، مکان قرار گرفتن تصویر نسبت به متن (تقدم یا تأخر) نکات مهم و قابل توجهی برای آثار کودکان به‌شمار می‌رود. اگر تصویر قبل از متن قرار بگیرد، مخاطب با مشاهده تصویر و تأمل درباره عناصر آن، حس کنجکاوی او را درباره ادامه داستان برمی‌انگیزاند و او را در داستان سهیم می‌کند. نودلמן عقیده دارد:

«تصاویر در تقویت خیال و کنجکاوی مخاطبان تأثیر بسزایی دارند؛ چرا که متن ذهن کودک

را درگیر آینده و این پرسش می‌کند که بعد چه اتفاقی خواهد افتاد؟» (نودلמן، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۳-۳. بازنمایی شخصیت‌ها در تصویر

یکی از راه‌های شخصیت‌پردازی در داستان، بازنمایی ذهنی است. بازنویس می‌تواند از این شگرد برای معرفی شخصیت‌ها استفاده کند.

«از پیچیده‌ترین شگردهای شخصیت‌پردازی، بازنمایی ذهنی است. این شیوه خواننده را وارد

ذهن شخصیت می‌کند و اطلاعات بیشتری در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. در این نوع

شخصیت‌پردازی خواننده فرصت می‌یابد که به درونی‌ترین فکرها و حالت‌های ذهنی شخصیت‌های داستان راه یابد» (نیکولایوا، ۱۳۸۷: ۵۶۵).

آنچه در تصاویر داستان زال و رودابه برای مخاطب اهمیت دارد، چگونگی طراحی شخصیت‌های اسطوره‌ای است. شخصیت‌هایی که مخاطب کودک، تصویر کامل و درستی از آن‌ها ندارد. متون بازنویسی شاید اولین برخورد کودکان با متون کهن باشد. برای همین انتقال حس، فضا و تصویر شخصیت‌ها مهم و قابل توجه است. تصور کودکان از شخصیت‌های مهمی چون رستم، زال و سام و دیگر افراد از طریق متن و تصویر کامل می‌شود.

۳-۱-۳. شخصیت زال

در متن بازنویسی زال و رودابه، شخصیت زال به‌خوبی تصویرپردازی نشده است. آنچه خواننده از طریق متن شاهنامه از ظاهر و ویژگی‌های شخصیت زال انتظار دارد، در تصویر دیده نمی‌شود. شخصیت زال در شاهنامه این‌گونه توصیف شده است:

به چهره نکو بود برسان شید ولیکن همه موی بودش سپید
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۶۴)

در داستان بازنویسی شده، پوشش و لباس زال مناسب و درخور پهلوانان و قهرمانان ایران نیست. رنگ و طرح لباس زال تناسبی با لباس جنگاوران و پهلوانان ندارد. انتخاب رنگ صورتی و طراحی صورت زال به شکلی نامتعارف از عیوب تصویرپردازی کتاب است (تصویر شماره ۱). چهره و اندام زال در مراحل و صفحات بعد، متفاوت می‌شود به گونه‌ای که این تغییر برای مخاطب کودک سؤال‌برانگیز است.

زال در تصویر زیر شخصیتی پیر و فرتوت است؛ در حالی که در متن شاهنامه، زال پیر سر توصیف شده است. از نظر پیرنگ و طرح، تصاویر کتاب نسبت به متن داستان، متفاوت است. گویی تصویرگر مستقل از نویسنده طرح تصاویر را پی‌ریزی کرده است. ارتباط متن با تصویر از ویژگی پایدار تصویرسازی است.

«تصویرگر ضمن دارا بودن استقلال در نمایاندن تصویر، ملزم به پیروی از متن در بازگکردن محتوای متن است. در این زمینه باید معیارهای درک کودک را در اجرای تکنیک و خیال‌پردازی‌های شخصی خود مدنظر قرار دهد» (نودلمن، ۱۳۸۶: ۱۱۳).



تصویر شماره ۱، زال و مهرباب

در صفحات بعدی کتاب، شخصیت زال با تصویری متفاوت تر نشان داده می شود (تصویر شماره ۲). در بازنویسی آثار کهن و شخصیت پردازی اسطوره ها، باید ذهنیت اسطوره ای را در مخاطب ایجاد کرد. پیوند قوی ذهنیت اسطوره ای با دوره اسطوره و برقراری ارتباط با اجزاء و عناصر طبیعت در تقویت این ذهنیت مؤثر است. تجلی اسطوره های کهن در هیأت های جدید و ملموس، یکی از راه های تقویت ذهنیت اسطوره ای در کودکان است (ر.ک: سلاجقه، ۱۳۸۵: ۲۲۰-۲۷۰).



تصویر شماره ۲، زال و رودابه

تصویر شماره ۲، تصویر دیگری از شخصیت زال در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. مخاطب با دیدن تصویر گمان می‌کند که با ماجرای خواب یکی از دو شخصیت تصویر روبه‌روست؛ در حالی که با توجه به متن داستان، ماجرای طالع‌شناسی ازدواج زال و رودابه است. بدون در نظر گرفتن متن داستان و توجه به شخصیت‌ها و پیرنگ تصاویر، تصویر فوق شباهتی به دو شخصیت اسطوره‌ای ندارد. از نظر طراحی چهره، چندان تفاوتی بین آن‌ها (زال و رودابه) دیده نمی‌شود. قرارگرفتن ستاره‌های درخشان در تصویر نشان از ماجرای ستاره‌شناسی و بررسی طالع دو شخصیت برای ازدواج است. طراحی اعضای صورت شخصیت زال (چشم، ابرو، بینی و...) در مقایسه با تصاویر قبل و بعد کتاب، برای مخاطب سؤال‌برانگیز است. بازنمایی ذهنی شخصیت‌ها، اطلاعات زیادی از شخصیت و اندیشه‌های او در اختیار مخاطب قرار می‌دهد؛ مخاطبی که اطلاعات چندانی درباره شخصیت‌های اسطوره‌ای ندارد» (نیکولایوا، ۱۳۸۷: ۵۵۷). تصویرپردازی برای کودکان گروه سنی «ج» با پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های سبکی و رنگی خاصی همراه است. نودلمن در این باره می‌گوید:

«با افزایش سن کودک، عناصر دیداری به تدریج پیچیده‌تر می‌شوند و می‌توان از استعاره‌های تصویری و نشانه‌شناسی و انتزاع نیز استفاده نمود تا جایی که دریافت مفهوم پنهان در تصویر موجب کنکاش کودک شود» (نودلمن، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

تصویرگر با انتخاب فضای شب و ستاره‌شناسی به دنبال ایجاد تصویری نشانه‌شناسی و تاحدودی پیچیده بود که می‌توانست در افزایش حس کنجکاوی مخاطب تأثیرگذار باشد؛ اما طراحی چهره دو شخصیت این تصویرپردازی را تاحدی مخدوش کرده است. تصویرگر می‌توانست بدون طراحی اجزای صورت دو شخصیت در فضایی فانتزی‌تر، مفهوم را منتقل کند. با نگاهی به متن شاهنامه و توصیف فردوسی از شخصیت زال می‌توان به تفاوت‌های تصویری پی برد.

به سر بر نهاد آن فروزنده تاج
ابا طوق زرین و زرین کمر
پژوهید هر چیز و هر چیز راند
سواران و گردان و کین آوران
زدندی همی رای بر بیش و کم
که گفتی ستاره است از افروختن
که چون خویشتن در جهان کس ندید
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۶۹)

نشست از بر نامور تخت عاج
ابا یاره و گرزه گاوسر
ز هر کشوری موبدی را بخواند
ستاره شناسان و دین آوران
شب و روز بودند با او بهم
چنان زال گشت از بس آموختن
به رأی و به دانش به جایی رسید

فردوسی، شخصیت زال را صاحب تختی از عاج و تاجی فروزنده بر سر، به همراه یاره و گرز گاو

سر و کمربندی زرین توصیف می‌کند. زال هنرهای رزمی و علوم و فنون مختلفی مانند ستاره‌شناسی و دین‌پژوهی را می‌آموزد. این توصیفات با آنچه در متن بازنویسی و تصویر زال بیان شده متفاوت است. حال با توجه به توصیفات فردوسی از شخصیت‌های زال و سام، آیا نیازی به تصویرسازی شخصیت‌ها با این کیفیت در متون بازنویسی احساس می‌شود؟ در حالی که توصیفات شاهنامه در متن بازنویسی نیز به صورت ساده بیان شده است.

«هدف از تصویرکردن داستان‌های کودک و نوجوان، بیان متن داستانی به وسیله عناصر

بصری و تجسمی است؛ اما نه بیانی هم‌اندازه متن، بلکه بیان آنچه به وسیله واژه‌ها و متن

قابل ارائه نیست که این بیانگری به عهده تصویر است» (سالزبری، ۱۳۸۸: ۴۳).

حال تصویر شخصیت زال را در متن بازنویسی بررسی می‌کنیم (با توجه به توصیفات فوق).



تصویر شماره ۳، ملاقات سام و زال

در تصور شماره ۳، ویژگی دو شخصیت پهلوان و نامدار ایران با لباس و طراحی متفاوتی دیده می‌شود. آنچه فردوسی در شاهنامه درباره این دو شخصیت بیان کرده، با تصویر فوق متفاوت است. انتخاب رنگ صورتی برای لباس زال و رنگ سبز برای لباس شخصیت سام و نوع و طرح لباس آن‌ها متناسب با آنچه در شاهنامه آمده نیست.

«ما کتاب‌های کودکان را با تصویر همراه می‌کنیم با این فرض که زبان تصویر نسبت به زبان متن طبیعی‌تر است و ایجاد ارتباط توسط آن مستقیم‌تر؛ اما هرگاه تصویرها نتوانند چنین اهدافی را برآورده سازند، تنها جنبه تزئینی پیدا می‌کنند» (فزل‌یاغ، ۱۳۸۶: ۶۷).

سام از نبرد با دیوان مازندران، با نامه زال مبنی بر علاقه او به رودابه برگشته است و باید لباسی جنگی و رزمی به تن داشته باشد نه چنین پوششی. نکته دیگر اینکه در هیچ کدام از تصاویر کتاب این دو شخصیت با لباس زرم دیده نمی‌شوند که خود می‌تواند تأمل برانگیز باشد. تصویرگر می‌تواند گاهی مستقل از نویسند عمل کند و فضاهایی را به تصویر بکشد که متن به آن‌ها نپرداخته؛ اما پیروی از پیرنگ متن و محتوای اثر، آن هم اثری حماسی و ملی چون شاهنامه ضروری به نظر می‌رسد. توصیفات و تشبیهات زیبا و ملموس فردوسی از شخصیت‌های زال و رودابه می‌تواند دستمایه هنرمندان در امر تصویرگری باشد.

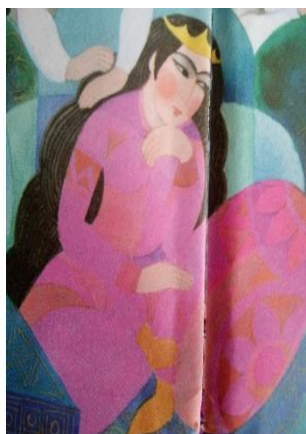
«فردوسی با تشبیهات زیبا، رنگ‌پردازی و توصیفات صحنه، نگاه شاعرانه خود را به سمت تصویر سوق می‌دهد. برخی از این توصیفات جنبه تصویرگری دارد. چنانچه اگر هنرمندی برای دست‌یابی به اثری برگرفته از شاهنامه به آن رجوع کند، با خواندن این روایات، تصویرهای خارق‌العاده‌ای به ذهنش متبادر می‌شود و می‌تواند از این توصیفات و تشبیهات در راستای خلق اثر هنری جدید بهره‌مند شود» (داننده، ۱۳۹۵: ۲۴).

۳-۲-۳. شخصیت رودابه

تصویرپردازی شخصیت رودابه در متن بازنویسی نیز چندان با متن اصلی هماهنگ نیست. فردوسی در شاهنامه با هنرمندی تمام رودابه را این‌گونه توصیف می‌کند:

پس پرده او یکی دختر ست	که رویش ز خورشید نیکوتر ست
ز سر تا به پایش بگردار عاج	به رخ چون بهشت و به بالای ساج
بران سفت سیمینش مشکین کمند	سرش گشته چون حلقه پای وند
رخانش چو گلنار و لب ناردان	ز سیمین برش رسته دو ناردان
دو چشمش بسان دو نرگس به باغ	مژه تیرگی برده از پر زاغ
	(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۷۰)

در داستان بازنویسی شده، شخصیت رودابه به شکل‌های زیر طراحی شده است. اگر به تصاویر زیر دقت کنیم به تفاوت‌ها پی خواهیم برد.



تصویر ۳



تصویر ۲



تصویر ۱

در تصویر ۲ و ۳، که حکایت از لحظه دیدار زال و رودابه دارد، دو تصویر متفاوت می‌بینیم. در شبی تاریک، زال به دعوت رودابه به کاخ او می‌رود. تصویر ۲، لحظه دیدار آن‌ها بیرون کاخ و تصویر ۳، لحظه دیدار در کاخ. پوشش و لباس و چهره رودابه در دو تصویر فوق که در یک لحظه اتفاق افتاده، متفاوت است. تصویر ۱، شباهت بیشتری با متن شاهنامه و توصیفات فردوسی دارد. رودابه از زبان فردوسی این‌گونه توصیف می‌شود:

چورخسار تو تابش خور نیست
رخان معصفر سوی بنده کرد
به سرو سهی بر، سهیل یمن
(فردوسی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۸۱)

به بالای تو بر چمن سرو نیست
لب سرخ رودابه پر خنده کرد
ز سر تا به پایش گل ست و سمن

گیسوی سیاه و بلند، قامت بلند مانند سرو، صورت سپید مانند ماه، لب‌های سرخ‌گون، چشمانی درشت و سیاه و ابروهای سیاه و کمانی به همراه زیورآلات فراوان مانند یاره، طوق، گوشواره و گوهر از مهم‌ترین توصیفات ظاهری رودابه در شاهنامه است. در متن بازنویسی و در قاب تصویر تنها بخشی از ویژگی‌های رودابه دیده می‌شود. چون مخاطب نوجوان تصویر درستی از شخصیت‌های اسطوره‌ای ندارد، بهتر است تصاویر، گویای شخصیت اصلی پهلوانان و شخصیت‌های شاهنامه باشد. تصویر در داستان‌های بازنویسی به دو شکل صورت می‌گیرد؛ یکی تصویرسازی از طریق طراحی چهره

شخصیت‌ها و دیگر تصویرسازی از طریق عناصر زبانی و ادبی متن. در تصاویر فوق می‌توان این مسأله را مشاهده کرد. تصویر شماره ۴، نمونه مناسب دیگری برای این ادعاست.



تصویر شماره ۴، رودابه و کنیزکان

در تصویر فوق از نظر طراحی شکل و ظاهر شخصیت رودابه و کنیزکان چه تفاوتی دیده می‌شود؟ تنها تفاوت رنگ لباس آن‌هاست. در پژوهشی که درباره پوشش زنان در نگاره‌های شاهنامه صورت گرفته، پوشاک زنان بزرگ، همانند کنیزان خود بوده و تفاوت چندانی مشاهده نشده است. در نگاره «دیدار زال و رودابه»، رودابه پیراهنی با آستین بلند دارد با چین‌های روی دست به دلیل بلندبودن آستین و به شکل ردا (قبا)، آستین کوتاه و یقه برگرد است. قسمت جلو چاک دارد که در قسمت برگرد به رنگ دیگر است و ممکن است لباس به شکل دو رو باشد. پیراهن زیر هم با یقه باز و بلند از قسمت پایین پیراهن با رنگ دیگر مشخص است. رودابه تاجی با کلاهی کنگره‌دار بر سر دارد که با بند در زیر چانه محکم شده است (فیزیایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶). تصویر رودابه با توضیحات نگاره‌ها هماهنگ نیست. می‌توان از طریق این نگاره‌ها، تصویری ملموس و واقعی‌تر از شخصیت‌ها ارائه داد.

۳-۳-۳. شخصیت سمیرغ

شخصیت قابل تأمل دیگر در این اثر، سمیرغ است. سابقه حضور این مرغ اساطیری در فرهنگ ایرانی به

پیش از اسلام می‌رسد. از آنچه در اوستا و آثار پهلوی یا به‌طور کلی از فرهنگ پیش از اسلام برمی‌آید می‌توان دریافت:

«مرغ، مرغی فراخ بال است که بر درختی درمان‌بخش به نام ویسپوبیش که دربردارنده تخمه همه گیاهان است، آشیان دارد. در اوستا اشاره شده که این درخت در دریای فراخکرت قرار دارد» (پورداد، ۱۳۵۹: ۷-۵۷۵).

آنچه از متون مختلف درباره سیمرغ بیان شده این است که:
 «این موجود افسانه‌ای بزرگ و عظیم‌الجثه و آسیب‌ناپذیر است. بر کوه البرز آشیانه دارد و دانا و عاقل بالفعل است» (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۶۶).

در متن بازنویسی تصویری که از سیمرغ ارائه می‌شود، هیچ کدام از ویژگی‌ها و توصیفات شاهنامه و دیگر متون را ندارد.



تصویر شماره ۵، سیمرغ و تولد رستم

با توجه به استقلال تصویرگر در طراحی برخی از تصاویر، می‌توانست سایه‌ای از سیمرغ را در کل صفحات (یا دو صفحه مربوط به تولد رستم) طراحی کند تا مخاطب با تأمل و با کمک متن، خود به حضور این مرغ پی ببرد. در واقع تصویرگر می‌توانست مخاطب را در درک عناصر تصویر و سیر

حوادث داستان سهیم کند. یا با استفاده از تکنیک سپیدخوانی، فهم و درک این مقوله را به پس‌زمینه ذهن مخاطب و اطلاعات او درباره سیمرخ واگذار کند.

«سپیدنویسی، جاهای خالی و نقطه‌چین‌های موجود در متن است که به گفته چمبرز^۱ هر نویسنده ماهر می‌کوشد تا در اثرش برجای بگذارد تا خواننده را در ساختن معنا و حتی آفرینشگری به مشارکت فرا خواند» (چمبرز، ۱۳۳: ۱۳۱۷).

مسئله سپیدنویسی هم در تصویر و هم در متن برای مشارکت خواننده مقوله‌ای مهم و قابل توجه است. تصویرگر می‌تواند بخشی از فضا و صحنه‌های داستان را به تصویر بکشد و بخشی دیگر را به عهده مخاطب بگذارد. در طراحی تصویر سیمرخ می‌شود به گونه‌ای عمل کرد که مخاطب با کنجکاوی به دنبال حوادث داستان و درک تصویر مدنظر باشد. مثلاً شخصیت سیمرخ به صورتی ترسیم شود که عظمت و بزرگی سیمرخ در کل صفحات کتاب تنیده شود و در انتها با مشخص شدن کل تصویر و وضوح آن برای مخاطب، علاوه بر غافلگیری، او را در داستان سهیم کرد.

۴. هماهنگی سازه‌های متن و تصویر

یکی از عوامل مهم در تصویرپردازی داستان‌های کودکان، هماهنگی سازه‌های متن و تصویر است. البته باید گفت این مسئله مغایرتی با استقلال تصویرگر در طراحی تصاویر اثر ندارد. پیروی تصویرگر از سازه‌های روایت و حس متن، نیازمند ارتباط و گفت‌وگوی نزدیک او با نویسنده و دریافت‌های شخصی اوست. این همراهی به گونه‌ای است که گاه تصویرگر پس از خواندن متن، نویسنده را به ایجاد تغییرات در متن تشویق می‌کند و گاه نویسنده نیز خواستار دگرگونی در تصویر می‌شود (اکرمی، ۱۳۹۳: ۶). در کتاب داستان زال و رودابه نمونه‌ای از ناهماهنگی میان سازه‌های تصویر و متن دیده می‌شود. در صفحه ۱۵ و در متن می‌خوانیم:

«شب دیگر چون تاریکی بر زمین فرو افتاد، زال زر جامه‌ای تیره به رنگ شب بر تن کرد و کمندی بر پشت افکند و پای پیاده به سوی کابل شتافت. پاسی از شب راه سپرد تا به ایوان کاخ رسید...» (مشرف، ۱۳۹۶: ۱۵).

در تصویر همان صفحه، زال با جامه‌ای به رنگ صورتی مقابل کاخ ایستاده است (ر.ک: تصویر

شماره ۶).



تصویر شماره ۶، ملاقات زال و رودابه در کاخ

رنگ لباس زال بر خلاف متن، در تصویر صورتی است. در حالی که این رنگ و این لباس با توجه به متن و حرکت شبانه زال به سمت کابل با کمند و لباس رزم، ناهمخوانی متن و تصویر را به همراه دارد. یکی از وظایف تصویر، کامل کردن متن و افزایش آگاهی و درک مخاطب از متن اصلی است. به نظر می‌رسد نقش تصویر در داستان زال و رودابه نقشی تزئینی است تا تکمیل‌کننده متن. باز سؤال اصلی پژوهش مطرح می‌شود که آیا واقعاً نیازی به تصویرسازی متن شاهنامه آن هم به این سبک و سیاق ضروری است؟ معرفی هویت اصلی شخصیت‌ها و قهرمانان ملی و اسطوره‌ای گاهی در قالب لباس و پوشش آن‌ها در بستر تصویرپردازی مناسب صورت می‌گیرد. پوشاک از مظاهر فرهنگ یک جامعه و حامل پیام‌هایی است و عناصر نشانه‌ای پوشاک بر نموده‌های فرهنگی، مذهبی، ملی، هنری یک جامعه دلالت دارد (فیزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۵۶). توصیفات و تصویرسازی‌های زیبای شاهنامه می‌تواند جایگزین مناسبی برای تصویرسازی‌های امروزی باشد. قدرت توصیف فردوسی تا جایی است که فضای داستان، شخصیت‌ها و رفتار آنان را کاملاً در برابر خواننده مجسم می‌کند؛ چنان که گویی روایت داستان، نه شعر، بلکه نمایشی و سینمایی است.

۵. نتیجه

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده از چند داستان بازنویسی‌شده زال و رودابه که به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند، می‌توان گفت که بازنویسی متون کهن از جمله شاهنامه در معرفی شخصیت‌ها به مخاطب

کودک موفق نبوده‌اند. حتی اگر خوش‌بینانه نگاه کنیم و هدف برخی از بازنویسی‌ها را احیا و انتقال فرهنگ و هویت ایران و نسل گذشته بدانیم، باز آسیب‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد. نتایج پژوهش نشان داد که تصاویر داستان‌های بازنویسی شده نتوانسته‌اند آن گونه که در خورشاهنامه و شخصیت‌های اسطوره است، آن‌ها را به مخاطب معرفی کنند. دلیل این امر جدااندیشی و عدم ارتباط نزدیک نویسنده و تصویرگر و عدم شناخت یا آگاهی تصویرگر از متن و توصیفات شاهنامه است.

داستان بازنویسی شده زال و رودابه نقاط قوت هم دارد؛ از جمله انعکاس زبان و لحن شاهنامه در متن، استفاده از واژه‌ها و افعال کهن شاهنامه برای شناخت بیشتر مخاطب. اگرچه بازنویس می‌توانست از نمونه اشعار شاهنامه هم استفاده کند. ناهماهنگی سازه‌های متن و تصویر، عدم مطابقت چهره و تصویر قهرمانان و شخصیت‌های داستان با متن اصلی، انتخاب رنگ‌های نامناسب در طراحی لباس‌ها، عدم یکنواختی تصویر شخصیت‌ها در یک صحنه یا حوادث بعدی همچون شخصیت زال که در شاهنامه پیر سر است؛ اما در متن بازنویسی به شکل شخصیت کهن سال نمایش داده شده است. شخصیت سیمرغ با توجه به متن کهن و اسطوره‌ای به مخاطب معرفی نشده است. استفاده از متن اصلی و توصیفات زنده فردوسی و نگاره‌های موجود درباره شاهنامه می‌تواند برای تصویرگران راهگشا باشد؛ اگرچه نویسنده اعتقاد دارد برای گروه‌های سنی بالاتر (ج و د) نیازی به تصویر سازی نیست؛ چرا که مخاطب خود توانایی تصویرسازی ذهنی از داستان‌ها را دارد.

کتابنامه

- اکرمی، جمال‌الدین. (۱۳۹۳) «از متن به تصویر» (سازه‌های روایتی تصویر در کتاب‌های کودکان و نوجوانان)، مجله روشنان، دفتر هجدهم، بهار و تابستان ۹۳، صص ۸-۱.
- بشیری، محمود؛ آقاجانی کلخوران، سمیه. (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی در رمان‌های ادبیات پایداری با تکیه بر رمان‌های ام‌سعد و دا». مجله متن پژوهی ادبی، سال ۲۰ شماره ۶۸، صص ۹۳-۱۱۵.
- پایور، جعفر. (۱۳۸۸) بازنویسی و بازآفرینی در ادبیات، چاپ دوم. تهران، نشر کتابدار.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۸۶) فرهنگ ایران باستان. تهران: نشر اساطیر.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۶) دیدار با سیمرغ. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- چمبرز، ایدن. (۱۳۸۷) «خواننده درون کتاب» در دیگر خوانی‌های ناگزیر. ترجمه خسرو نژاد. تهران: نشر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان. صص ۱۱۳-۱۵۲.

حجازی، بنفشه. (۱۳۹۲) *ادبیات کودکان و نوجوانان، ویژگی‌ها و جنبه‌ها*. تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

داننده، سمیرا. (۱۳۹۵) «ظرفیت‌های تصویری داستان عاشقانه *زال و رودابه*؛ براساس روایت فردوسی». کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی، تاریخ و ادبیات پارسی، دانشگاه ایروان ارمنستان، دوره اول، صص ۱-۲۴.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۱) *فردوسی و هویت شناسی ایران*. تهران: نشر نو.

ژوو، ونسان. (۱۳۹۴) *بوطیقای رمان*. ترجمه نصرت حجازی. تهران: نشر علمی و فرهنگی.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۲) *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سالزبری، مارتین. (۱۳۸۸) *تصویرگری کتاب کودک*. ترجمه شقایق قندهاری. تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵) *از این باغ شرقی، نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان*. تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

سنداک، موریس. (۱۳۷۷) «فضاهای خالی در متن». ترجمه زهره قائینی. *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۱۱، صص ۷۵-۸۲.

سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶) *روان‌شناسی پرورشی*. تهران: نشر آگاه.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶) *شاهنامه*. به تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: نشر سخن.

فیزابی، بهمن؛ آرتیمس، هوشیار؛ رحمان‌طلب، خدیجه. (۱۳۹۸) «بررسی لباس بانوان برگزیده و شاخص در نگاره‌های شاهنامه بایسنقری به منظور ایجاد کسب و کار». *همایش ملی مدیریت، اخلاق و کسب و کار*، تیرماه ۹۸، صص ۱۷۵۵-۱۷۷۳.

قائینی، زهره. (۱۳۹۰) *تصویرگری کتاب‌های کودکان*. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.

قرزل ایاغ، ثریا. (۱۳۸۶) *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: نشر سمت.

مشرف آزاد تهرانی، محمود. (م. آزاد) (۱۳۹۶) *زال و رودابه براساس داستانی از شاهنامه*. تهران: نشر کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

نودلمن، پری. (۱۳۸۶) «پیوند واژگان و تصاویر». ترجمه بنفشه عرفانیان، کتاب ماه کودک و نوجوان، شماره ۷ و ۸ صص ۸۹-۹۵.

نیکولایوا، ماریا. (۱۳۸۷) «فراسوی دستور داستان»، در دیگرخوانی‌های ناگزیر، ترجمه خسرو نژاد. تهران: کانون پرورش فکری کودک و نوجوان. صص ۵۴۷-۵۸۹.

هاشمی نسب، صدیقه. (۱۳۷۱) *کودکان و ادبیات رسمی ایران*، چاپ سوم. تهران: سروش.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸) *از پاژ تا دوازده رزان*. تهران: انتشارات سخن.

یونسی، ابراهیم. (۱۳۸۲) *هنر داستان‌نویسی*، چاپ سوم. تهران: نشر آگاه.

References

- Harris, Joseph. (2006) *Rewriting how to do things with taxes*. University press: Logan, Utah state.
- Akrami, Jamaluddin. (2013) "From Text to Image" (Narrative Structures of Images in books for Children and Teenagers), *Roshan magazine*, 18th book, spring and summer 2013, pp. 1-8.
- Bashiri, Mahmoud; Aghajani Kalkhoran, Somayeh. (2016) "Comparative Study of Resistance Literature Novels Based on the Novels of Umm Saad and Da." *Text Journal of Literary Research*, Year 20, Number 68, pp. 115-93.
- Payvar, Jafar. (2008) *Rewriting and Re-creation in Literature*, second edition. Tehran, Ketabdar Publishing.
- Poor Davoud, Ebrahim. (2008) *Ancient Iranian Culture*. Tehran: Asatir Publishing House.
- Poornamdarian, Taghi. (1386) *Meeting with Simorgh*. Tehran: Publications of Humanities and Cultural Studies Research Institute.
- Chambers, Eden. (2007) *"The Reader Inside the Book" in Other Inevitable Readings*. Translated by Khosronjad. Tehran: Publication of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. pp. 113-152.
- Hejazi, Banafsheh. (2012) *Literature for Children and Teenagers, Characteristics and Aspects*. Tehran: Roshangaran Publishing House and Women's Studies.
- Danandeh, Samira. (2015) *"Image Capacities of the Love Story of Zal and Roodabeh; Based on Ferdowsi's Narrative"*. *International Conference on Oriental Studies, Persian History and Literature*, Yerevan University, Armenia, first session, pp. 1-24.
- Rastgar Fasai, Mansour. (1381) *Ferdowsi and Iranian Identity*. Tehran: New Publication.

- Zhou, Vincent. (2014) *Novel Boutique*. Translated by Nusrat Hijazi. Tehran: Scientific and Cultural Publication.
- Sarukhani, Bagher. (1382) *Methodology of Social Sciences*. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Saulsbury, Martin. (2008) *Illustrated Children's Book*. Translation by Shagaig Kandahari. Tehran: Publication of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Selajegheh, Parvin. (1385) *From this Eastern Garden, Criticism Theories of Children's and Teenagers' Poetry*. Tehran: Publication of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Sendak, Mauritius. (1377) "*Empty Spaces in the Text*". Translated by Zohreh Ghaeini. Children and Adolescent Literature Research Journal, No. 11, pp. 75-82.
- Seyf, Ali Akbar. (2016) *Educational Psychology*. Tehran: Aghaz Publishing.
- Ferdowsi, Abolqasem. (1366) *Shahnameh*. Edited by Jalal Khaleghi Moltaq. Tehran: Sokhon Publishing House.
- Fizabi, Bahman; Artemis, the vigilant; Rehman Talab, Khadijah. (2018) "Investigation of Selected and Representative Women's Clothes in the Paintings of Shahnameh Baisanghari in order to Create business".
- Ghaeini, Zohreh. (2013) *Illustration of Children's Books*. Tehran: Cultural and Artistic Research Institute of children's literature history.
- Qezel Ayagh, Soraya. (2016) *Literature for Children and Teenagers and Promoting Reading*. Tehran: Samt Publishing House.
- Mosharraf Azad Tehrani, Mahmoud. (M. Azad) (2016) *Zal and Roodabeh Based on a Story From Shahnameh*. Tehran: Publication of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents.
- Nodelman, Perry. (1386) "*The Link Between Words and Images*". Translation by Banafshe Irfanian, The Book of Children and Teenagers, No. 7 and 8, pp. 89-95.
- Nikolayeva, Maria. (1387) "*Beyond the Command of the Story*", in *the Inevitable Readings*, translated by Khosronjad. Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. pp. 547-589.
- Hashemi Nasab, Sedigheh. (1371) *Children and Official Literature of Iran*, third edition. Tehran: Soroush.
- Yahaghi, Mohammad Jaafar. (1388) *From Pazh to Davazdah Razan*. Tehran: Sokhan Publications.
- Yonesi, Ebrahim. (1382) *The Art of Story Writing*, third edition. Tehran: Aghaz Publishing.